

بسم الله الرحمن الرحيم

وضع دشوار پاکستان؛ قطع روابط با امریکا برای منافع چین!

(ترجمه)



ترامپ رئیس جمهور امریکا در ماه اگست سال ۲۰۱۷م استراتژی جدید خود را در قبال افغانستان و پاکستان اعلام کرد که شامل اعمال فشار بر پاکستان بود تا از عملیات ضد تروریسم امریکا حمایت نمایند. و در ماه نومبر ۲۰۱۸م با آغاز سال جدید، ترامپ از پاکستان انتقاد کرده و آن کشور را متهم به حمایت و تحرک گروه‌های تروریستی کرد. در مقابل، پاکستان ادعای ترامپ را رد و مقامات آن کشور اظهار داشتند که از سال ۲۰۰۱م پاکستان بیشترین قربانی را در جنگ علیه تروریسم داده است. برخی‌ها به این باور اند که موقف خشن امریکا در قبال پاکستان باعث نفوذ چین در پاکستان گردیده و توانائی امریکا را در مبارزه با تروریسم تضعیف می‌سازد.

از سپتمبر ۲۰۰۱م امریکا چندین استراتژی مبهمی را در قبال افغانستان اتخاذ کرد؛ اما مسئله مشترک در تمام استراتژی‌های سه دور اخیر حکومت امریکا، همان بقای دائمی پایگاه‌های نظامی امریکا در افغانستان بود تا ازین طریق به کشورهای همسایه افغانستان دسترسی پیدا کرده و به ضد این کشورها برنامه‌های نظامی را اتخاذ نماید. برعلاوه، این استراتژی امریکا به سه مرحله مهم تقسیم می‌گردد.

در دوران حکومت بوش، تمرکز امریکا بر پیروزی جنگ در افغانستان بود؛ ازین طریق حکومت طالبان را کنار زده و حامد کرزی را به کمک رهبران ائتلاف شمال بر اریکه قدرت نصب کرد. درین دوران پاکستان نقش خود را در محور فراهم سازی زمینه های گفت و گوی نشست "بن" و تشکیل حکومت انتقالی بازی نمود. پس از تشکیل حکومت کرزی، اولویت های کاری و تمرکز اساسی امریکا در افغانستان تغییر خورده و تمرکز اساسی خود را بالای تشکیل حکومت جدید عراق مبذول ساخت.

اما خیلی زود استراتژی امریکا در قبال افغانستان تغییر خورد و نیروهای مخالفین مسلح در مقابل دولت کرزی تازه سر برآوردند. از خلال این استراتژی، که عنوان آن "بحران خلاق" نامیده شد، امریکا توانست پایگاه های گروه های مسلح را در پاکستان هدف قرار دهد تا آن ها کاملاً عامل سقوط دولت کرزی نگردند. این اسلوب را امریکا در جنگ با امریکای مرکزی و جنوبی هم عملی کرد؛ طوری که زمینه را برای گروه های شورشی مساعد ساخت تا علیه هم دیگر در جنگ افتند و درین میان امریکا توانست بر تمام سرزمین سیطره یابد. کار امریکا در افغانستان نیز همین گونه است؛ ازین رو امریکا همراه با پاکستان، نقش دوگانه بازی کرد؛ چنانچه همکاری پاکستان با شورای طالبان در کوئته در حضور امریکائیان نمونه ای از برخورد دوگانه است.

استراتژی های قبلی سبب گردید تا اداره اوپاما استراتژی های متنوعی را در افغانستان عملی سازد؛ برخی اوقات پیروزی جنگ با طالبان را با اهمیت تلقی کرده هرگونه گفت و گو با طالبان را رد می کرد، و برخی اوقات برای بازداشت و قتل جنگجویان افغانی که در مناطق قبائلی، پنهان به سر می بردند، بالای پاکستان فشار وارد می ساخت؛ اما با وجود تلاش های متعدد، امریکا در جنگ افغانستان پیروز نگردید و در نهایت، شخصاً راه صلح را پیشکش ساخت. در زمانی که انقلاب سوریه دامنگیر امریکا گردید، اوپاما در دور دوم به جز مقداری نیروی آموزشی، رسماً بر خروج نیروهای امریکا از افغانستان تصمیم اتخاذ کرد. این دوره مرحله تجربه برای ارتش امریکا محسوب می گردد که قبلاً یکی از مسائل جنجالی بین جنرالان امریکایی (منظورم جنرالان کنونی اند که در چهار طرف ترامپ قرار دارند) محسوب می گردید.

در عین زمان، ارتش پاکستان بالای امریکا چندان اعتمادی نداشت، و در برابر پیشنهادات امریکا برای گم کردن مراکز امن پیکارجویان افغانی داخل پاکستان، مقاومت نشان داد؛ اما به این دلیل که امریکا در امور افغانستان زمینه مداخله هند را مساعد ساخته است، که این مداخله هند در افغانستان مایه نگرانی پاکستان گردیده، برای رقابت هندخواهان، روابط عمیق استراتژی با افغانستان است و برای نیل این هدف، اکثراً پاکستان برای رهائی اتباع خود و در دفاع اکثر حقوق آن ها کناره گیری کرده است. چنانچه اولسون نماینده امریکا در پاکستان در مقاله ای در روزنامه نیورک تایمز این امر را تأیید کرده است.

در خصوص چین، روابط گرم هند و امریکا در مرزهای غربی، پیکینگ را نگران کرده است، و در مرز شرقی چین، امریکا قضیه کوریا شمالی را به حیث یک ابزار استفاده می کند تا روابط عمیق خود را بادولت های مجاور بحیره آرام مستحکم و موشک های خود را بر کوریای جنوبی نصب و با کشورهای چپان، استرلیا و هند مانور نظامی اجراء نماید تا فشار سیاسی بر چین باشد. چین خوب

می‌داند که امریکا در منطقه با او رقابت دارد؛ بناً خلاء بین امریکا و اسلام آباد را فرصت مناسب دانسته تا نفوذ خود را جایگزین نفوذ امریکا کرده و توازن نظامی را در شبه قاره آسیا حفظ نماید.

برنامه‌ای آمادگی چین برای برهم‌زدن نفوذ امریکا و جایگزینی نفوذ چین، همکاری اسلام آباد در کامیابی این برنامه حتمی می‌باشد. برعلاوه، چین در پاکستان منافع زیادی دارد؛ از جمله: روابط تجارتي آن به میلیاردها دلار می‌رسد و هم‌چنان توازن ارزش رویه پاکستانی و یوان چین در تبادل اجناس تجارتي دوجانبه، خیلی مفید است. ازین جهت، جنرالان در اسلام آباد خفیه برای اجرای این برنامه آمادگی دارند.

در اخیر، نجات پاکستان از بحران نه در ادامه پالیسی امریکا است و نه هم در تبدیلی نفوذ امریکائی به نفوذ چینی. پاکستان یک ابرقدرت اتومی منطقه بوده و توان برهم‌زدن پلان‌های چین، هند و امریکا را دارد، اما این کار تحت سایه نظام کنونی امکان ندارد؛ مگر از طریق اقامه خلافت بر منهای نبوت؛ چون مدینه منوره پس از تأسیس اولین دولت اسلامی توانست نفوذ روم و فارس را برهم زند و پس از شکست قدرت‌های منطقی عصر طلای اسلام آغاز گردید.

برگرفته از جریده الرایه

نویسنده: عبدالمجید بهاتی

۳۰ ربیع الثانی ۱۴۳۹ ه.ق

۱۷ جنوری ۲۰۱۸ م